

اتحادیه اروپا و معماری نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه

فرشید فرهادی؛ پژوهشگر مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام



مقدمه

فهم رویکرد کشورهای اروپایی به مسائل مرتبط با خاورمیانه و به‌طور خاص، نظم منطقه‌ای آن، منوط به توجه به این گزاره اساسی است که از نظر اروپایی‌ها، تحولات خاورمیانه دارای پیامدهای مستقیم امنیتی برای آنهاست. همان‌طور که در طول چند سال گذشته، بحران سوریه اروپا را با تهدید ناشی از موج‌های عظیم مهاجران و گروه‌های تکفیری روبه‌رو کرده بود. به همین دلیل، کشورهای اروپایی و به‌طور خاص فرانسه، آلمان و انگلستان برای ممانعت از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه در چند سال گذشته تلاش‌های گسترده‌ای را در دستورکار قرار داده‌اند. آنها در راستای جلوگیری از تششی گسترده میان ایران و آمریکا که می‌تواند خاورمیانه را در کلیت آن در بر گیرد، در طول چهار سال گذشته، تمام تلاش خود را به جلوگیری از نابودی توافق هسته‌ای معطوف کرده‌اند. نقطه‌عطف اقدامات آنان رأی ممتنع فرانسه و انگلستان به قطعنامه پیشنهادی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص تمدید تحریم تسلیحاتی ایران بود که نشان‌دهنده اهمیت توافق هسته‌ای و به‌طور کلی ثبات در خاورمیانه برای اتحادیه اروپاست.

به‌دلیل اهمیت و تأثیرگذاری ایران در خاورمیانه، تأثیرپذیری اروپا از مسائل جاری خاورمیانه و بی‌توجهی آمریکا به منافع اروپا در خاورمیانه، مسئله تنش آمریکا با ایران، هم‌زمان با خروج این کشور از توافق هسته‌ای، به مهم‌ترین شکاف میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است؛ چراکه شروع تنش در خاورمیانه به معنای شکل‌گیری دوباره معمای امنیتی برای اروپایی‌ها در مجاورت مرزهای سرزمینی این قاره است. سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران در چند سال گذشته، نتیجه‌ای برای واشنگتن، آن‌طور که باید، به بار نیاورده است. تحت این عنوان، آمریکا در طول چهار سال گذشته، شدیدترین و پیچیده‌ترین تحریم‌های اقتصادی را علیه ایران اعمال کرده است؛ اقدامات خصمانه‌ای که مهم‌ترین برآیند آن، تصاعد بحران

میان ایران و امریکا بوده است. تحت همین عنوان در چند سال گذشته، دو کشور بارها تا آستانه جنگ و تقابل مستقیم نظامی پیش رفته‌اند. وقایعی مانند شهادت سردار سلیمانی، پاسخ موشکی ایران در عین‌الاسد و درگیری نیابتی گسترده دو کشور در عراق و سوریه شاهدی بر این مدعا است.

سیاست‌ها و اقداماتی از این قبیل از سوی امریکا در خاورمیانه و تنش‌های ناشی از آن برای اروپا بسیار تهدیدزا است. حمایت امریکا از تل‌آویو و ریاض، حمایت از حملات عربستان به یمن، حضور نظامی در سوریه و در نهایت، ترور سردار سلیمانی توسط این کشور، اتحادیه اروپا را با خطر ناشی از بی‌ثباتی در خاورمیانه و پیامدهای فرامنطقه‌ای آن برای مناطق مجاور، از جمله اروپا روبه‌رو کرده است. موج‌های گسترده مهاجرت و حملات تروریستی و بازگشت بقایای گروه‌های تروریستی به اروپا مهم‌ترین تهدیدات برای منافع اروپاست که به‌طور مستقیم، تحت‌تأثیر مستقیم تصمیمات واشنگتن است. این در حالی است که این تصمیمات بدون اعتنا و اطلاع اتحادیه اروپا و در نظر گرفتن منافع آنان اتخاذ می‌شوند.

به همین دلیل نیز اتحادیه اروپا در دوران دونالد ترامپ، به امید تغییر کادر سیاسی در کاخ سفید، اقداماتی را در راستای حفظ توافق هسته‌ای در دستورکار قرار داد. حال که اقدامات نیم‌بند آنان به ثمر نرسیده و رؤیای آنان در کاخ سفید نیز به واقعیت مبدل گشته است، چه برنامه‌ای برای آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه دارند؟ صرفاً احیای توافق هسته‌ای یا فراتر از آن؟

اروپا و تغییر رویکرد در خاورمیانه

اتحادیه اروپا به تبعیت از افزایش نقش و جایگاه جهانی خود به دنبال بازبینی و تغییر رویکرد خود در نظام بین‌الملل است. این تغییر رویکرد در دو سطح مطرح است: نخست حرکت به سمت استقلال عمل بیشتر از امریکا در تحولات جهانی است و دوم، تغییر نگاه اتحادیه اروپا در حوزه موضوعی است؛ به این صورت که اتحادیه اروپا به دنبال تغییر برخی دستورکارها و همچنین اضافه کردن دستورکارهای جدید در نظم‌های منطقه‌ای است. خاورمیانه از جمله مناطقی است که به‌طور سنتی به دلیل قرابت جغرافیایی و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، مورد توجه اروپاییان بوده است. اتحادیه اروپا در دو سطح نامبرده، به دنبال ایجاد تغییر رویکرد خود در خاورمیانه است؛ یعنی هم قصد دارد برخی دستورکارهای خود را تغییر دهد و دستورکارهای جدیدی در خاورمیانه در پیش گیرد و هم می‌خواهد به دلیل تبعات امنیتی تحولات خاورمیانه، نقش فعال‌تری در این منطقه بر عهده گیرد. فعال بودن اروپایی‌ها در خاورمیانه به استقلال عمل بیشتری از سیاست‌های کاخ سفید نیازمند است. اروپایی‌ها در حال گذار از سیاست متمرکز بر دولتی خاص و موضوعی خاص و مسائل مرتبط با آن، به سوی رویکرد جامع منطقه‌ای برای خاورمیانه هستند. این رویکرد جدید برای مثال، جمهوری اسلامی ایران و مسائل مرتبط با آن را در کلیت آن، مرتبط با همسایگانش در سطح منطقه‌ای در نظر خواهد گرفت. تمرکز خاص بر برجام و ایران از نظر اروپایی‌ها محدودکننده محسوب می‌شود؛ اما نقطه عزیمت رویکرد جدید اروپا در منطقه همچنان برجام است؛ با این تفاوت که برخلاف دو دهه قبل، این بار برجام در کلیت آن در سطح منطقه و در ارتباط با ایران و همسایگان در نظر گرفته خواهد شد. با این اوصاف است که احیای برجام برای کاربست این رویکرد جدید اتحادیه اروپا اهمیتی تعیین‌کننده دارد؛ چراکه معماری هرگونه ترتیبات منطقه‌ای در خاورمیانه از

نظر اروپایی‌ها نیازمند توجه به ایران و مسائل مرتبط با آن است.

باید به این واقعیت اغماض ناپذیر اشاره کرد که کار سختی پیش روی اتحادیه اروپا برای کاربست سیاست جدید آنها در خاورمیانه قرار دارد؛ چراکه حفظ برجام و تلاش برای احیای آن و متعاقب آن ورود به گفت‌وگوهای منطقه‌ای، با وجود منافع متضاد گوناگون در خاورمیانه، فرایندی پیچیده و فرسایشی است؛ با وجود این، اتحادیه اروپا برای رسیدن به نقطه هدف در آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه، به دنبال تعریف گام‌هایی به قرار ذیل است:

- حفظ برجام؛
- احیای آن با فراهم کردن شرایط برای بازگشت طرفین به تعهدات قبلی خود؛
- شروع فرآیند گفت‌وگوهای منطقه‌ای از حوزه‌های موضوعی خاص و سپس تسری آن به کل منطقه؛
- ورود ناتو به عنوان بازوی دفاعی امنیتی اتحادیه اروپا در خاورمیانه.

۱. حفظ توافق هسته‌ای

این مهم قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در دستورکار قرار داشت که سیاستی موفق برای اروپایی‌ها بوده است؛ چراکه آنها به هر نحو ممکن توافق هسته‌ای را حفظ کردند. از جمله تلاش‌های اروپایی‌ها برای حفظ برجام ارائه مشوق‌های مالی و تجاری برای ایران بود. تلاش‌های اتحادیه اروپا در این راستا در قالب ایجاد بستر لازم برای مبادلات تجاری با ایران در چارچوب کانال مالی «اینستکس» نمود عینی یافت؛ اما این مکانیزم تجاری، به دلیل محدودیت‌های تحریمی آمریکا، صرفاً متمرکز بر مبادلات تجاری بشردوستانه شد. حتی در این سطح نیز به دلیل احتیاط و ترس بیش از حد بانک‌ها و شرکت‌های بین‌المللی در مبادله با ایران، این مکانیزم کارایی لازم را نداشت؛ با وجود این، اروپایی‌ها با این اقدامات نیم‌بند موفق شدند توافق هسته‌ای را حفظ کنند و گام اول خود را موفق بردارند.

۲. احیای توافق هسته‌ای و بازگشت به نقطه گریز هسته‌ای

گام دوم اتحادیه اروپا برای مسیر ترسیمی خود احیای توافق هسته‌ای است. بدون احیای توافق هسته‌ای نمی‌توان معماری نوینی از نظم منطقه‌ای در خاورمیانه را آغاز کرد. باید با تکیه بر برجام به ثبات استراتژیک در خاورمیانه دست یافت و سپس متعاقب آن، با شکل‌گیری توازن قدرت، توازن منافع و توازن تهدید نظم نوینی را بنا نهاد. به همین دلیل، اروپایی‌ها تلاش دیپلماتیک مضاعفی را در راستای احیای توافق هسته‌ای در دستورکار قرار داده‌اند. حال که تغییر مدنظر در کاخ سفید حاصل شده و مقدمات اولیه فراهم شده است، باید گام دوم برداشته شود.

با وجود این شرایط، در حال حاضر، اروپا مکانیزم حل اختلاف موجود در برجام و احیای آن را رسماً آغاز کرده است. اروپایی‌ها به دلیل بن‌بست دیپلماتیک مابین ایران و آمریکا که هر یک برای پیش‌بردن فرایند بازگشت دوباره به توافق هسته‌ای، از طرف مقابل می‌خواست گام نخست را بردارد، پیش‌قدم شد و با مساعی جمیله، زمینه را برای آغاز مذاکرات وین که در حال

حاضر نیز در جریان است، فراهم کرد. در مرحله بعد، اروپایی‌ها به دنبال نزدیک کردن مواضع ایران و امریکا هستند تا هرچه سریع‌تر، زمینه برای بازگشت دو طرف و احیای توافق هسته‌ای فراهم شود.

فراتر از مساعی جمیله، اتحادیه اروپا همچنین با همراهی امریکا به دنبال تمرکز بر مفاد مهمی از توافق هسته‌ای است که با وضع محدودیت، «زمان گریز هسته‌ای» ایران را افزایش دهد. برای حصول این هدف، برجام ذخیره اورانیوم غنی شده، تعداد و همچنین کیفیت سانتریفیوژهای ایران را به طرز قابل توجهی محدود خواهد کرد. همچنین تولید پلوتونیوم در راکتور آب سنگین اراک نیز متوقف خواهد شد.

طبق محاسبه انجام گرفته در دانشکده کندی دانشگاه هاروارد، مدت زمان گریز هسته‌ای ایران با اقدامات خرابکارانه رژیم صهیونیستی و همین طور پذیرش محدودیت‌های هسته‌ای از سوی ایران، از دو یا سه ماه به یک سال افزایش یافته است؛ اما این نقطه گریز یک ساله مطلوب اروپایی‌ها نیست؛ چراکه اهداف بزرگ آنان در خاورمیانه ضرورت افزایش نقطه گریز بیشتری را طلب می‌کند. اروپایی‌ها به این موضوع واقف هستند که هرگونه ابتکار جدید منطقه‌ای آنها در خاورمیانه نیازمند برطرف کردن معطل امنیتی ناشی از ایران و به طور خاص، موضوع هسته‌ای آن است؛ برای همین، با احیای توافق هسته‌ای به دنبال افزایش قابل توجه نقطه گریز هسته‌ای ایران و در مرحله بعد، فراهم کردن زمینه برای معماری نظم نوین منطقه‌ای مطلوب خود در خاورمیانه هستند.

۳. رویکرد منطقه‌ای اتحادیه اروپا

از نظر اروپایی‌ها، تنش‌ها در منطقه خاورمیانه از یک دهه گذشته به این سو افزایش چشمگیری پیدا کرده است. ریاض، تل‌آویو، تهران و واشنگتن، هریک تلاش می‌کنند نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهند. عراق به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای ایران و امریکا در حال تبدیل شدن به میدان نبرد است. شکاف در اتحاد عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز در یمن در حال نمایان شدن است. عربستان سعودی، اسرائیل، اروپایی‌ها و امریکا، ایران را مسئول تنش و بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه می‌دانند؛ اما اروپایی‌ها بر این عقیده هستند که برخلاف تنش‌های ناشی از پرونده هسته‌ای که ایران به تنهایی مسئول آن است، در تنش‌های منطقه‌ای، سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز مسئول هستند. متناسب با این رویکرد، راه‌حل اصلی تنش‌ها در منطقه شروع گفت‌وگوهای منطقه‌ای است؛ به این صورت که همه طرف‌های درگیر در منازعات منطقه باید نگرانی‌های خود از روند مذاکرات را ابراز کنند و درباره اقدامات متقابل برای رفع نگرانی‌های خود توافق کنند. در این راستا، اروپایی‌ها موضوعات زیر را دستورکار گفت‌وگوهای چندجانبه منطقه‌ای می‌دانند:

۳.۱. توافق هسته‌ای منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس

برجام میراث دو دهه مذاکرات هسته‌ای فشرده، پیچیده و فرسایشی است. البته اروپایی‌ها معتقدند این مربوط به زمانی است که تنها ایران در سطح منطقه خاورمیانه روی برنامه هسته‌ای کار می‌کرد؛ اما در شرایط حاضر، بسیاری از کشورهای خاورمیانه به سمت شروع و گسترش برنامه‌های هسته‌ای خود رفته‌اند. امارات متحده عربی اولین کشوری است که بعد از ایران، برنامه

انرژی هسته‌ای خود را با کمک کره جنوبی در ماه مارس ۲۰۲۰ آغاز کرد. عربستان سعودی نیز به دنبال ساخت راکتورهای هسته‌ای با هدف ایجاد منابع ترکیبی برای تولید انرژی خود است. مصر و اردن نیز در این رابطه در حال رایزنی با روسیه هستند. ترکیه نیز ساخت اولین راکتور خود به نام آک کویورا در آوریل ۲۰۱۸ در منطقه مرسین آغاز کرد. به همین منوال، سایر دولت‌های منطقه نیز در حال بررسی شرایط خود برای ورود به این حیطه هستند. با این اوصاف، تهدید مربوط به گسترش سلاح هسته‌ای و رقابت‌های منطقه‌ای منتج از آن در خاورمیانه بسیار واقعی است. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، همواره تهدید می‌کند در صورتی که اولین اقدام ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای عملیاتی شود، عربستان نیز بلافاصله در اسرع وقت به سمت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای روی خواهد آورد. رجب طیب اردوغان نیز به صراحت اعلام کرده است نمی‌تواند بپذیرد که کشورش از دستیابی به این تسلیحات دور بماند.

بنابراین برخلاف گذشته، در حال حاضر، زمینه مشترک برای همکاری منطقه‌ای در حوزه موضوع هسته‌ای وجود دارد. منطقه بی‌ثبات خاورمیانه نیازمند سازوکاری همانند توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام)، اما این بار در سطح کلان منطقه‌ای است. به عبارت دقیق، توافقی هسته‌ای نیاز است که با رویکردی منطقه‌ای تمام کشورهای منطقه را در برگیرد. از نظر اروپایی‌ها، احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ از این جهت اهمیت دارد که با پذیرش محدودیت از سوی ایران و رفع نگرانی در این خصوص می‌توان سایر کشورهای منطقه را نیز به پذیرش محدودیت‌های هسته‌ای مشابه ایران وادار کرد؛ چراکه همواره مهم‌ترین بهانه کشورهای خاورمیانه برای گسترش ابعاد مختلف برنامه اتمی خود نگرانی‌شان از برنامه اتمی ایران بوده است؛ پس با رفع این نگرانی، دلیلی برای عدم پذیرش محدودیت بر برنامه اتمی آنان وجود نخواهد داشت.

۲-۳. تسری مکانیزم توافق جامع هسته‌ای منطقه‌ای به سایر حوزه‌ها

اروپایی‌ها با رویکردی کارکردگرایانه به دنبال ایجاد ثبات استراتژیک در خاورمیانه هستند؛ به این صورت که آنها با شروع از حوزه موضوعی هسته‌ای به دنبال تسری مکانیزم چندجانبه ناشی از آن به سایر حوزه‌ها هستند. مهم‌ترین مسائل مورد توجه اروپایی‌ها از این منظر عبارت‌اند از:

- مناقشه رژیم صهیونیستی - فلسطین اشغالی؛
- بحران سوریه؛
- بحران یمن؛
- مبارزه با تروریسم؛
- کم‌رنگ کردن اسلام سیاسی در منطقه؛
- استحاله ارزش‌های اسلامی؛
- عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی؛
- تحت‌الشعاع قرار دادن مسئله فلسطین به عنوان محوری‌ترین مسئله جهان اسلام؛

- ایجاد اختلاف و تفرقه بین کشورهای اسلامی؛

- خدشه‌دار کردن همکاری اقتصادی بین کشورهای اسلامی از طریق ادغام کشورهای منطقه در بازار واحد اروپا.

۴. ورود ناتو به خاورمیانه

نقش روبه‌گسترش اتحادیه اروپا در خاورمیانه نیازمند بازوی دفاعی امنیتی است؛ چراکه تصمیمات و اقدامات بدون پشتوانه در منطقه‌ای سراسر تضاد و آشوب در حد آرمان و ایده باقی خواهد ماند. نه دولت‌های عربی و نه ایران، در حال حاضر، اتحادیه اروپا را به‌عنوان ذی‌نفعی جدی برای مسائل مربوط به امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه باور ندارند. بنابراین، قدرت‌های اروپایی واقف هستند که اگر می‌خواهند ابتکار عملشان در منطقه موفقیت‌آمیز باشد، باید ابتدا دولت‌های منطقه را برای نقش‌آفرینی خود در منطقه متقاعد کنند. ناتو ابزاری است که می‌تواند وزن ژئوپلیتیکی اتحادیه اروپا را در خاورمیانه به طرز قابل‌توجهی افزایش دهد و دیگران را به تأثیرگذاری اروپا در منطقه متقاعد کند. در همین راستا انتظار می‌رود در آینده به تدریج شاهد ورود گسترده ناتو به خاورمیانه باشیم. گرچه ناتو در بحران افغانستان، عراق و لیبی به ایفای نقش پرداخته است، موضوع مهم، حضور پایدار و نهادینه آن است. دور از ذهن نخواهد بود که ناتو دوباره با تفسیر موسع از اساسنامه خود، همچون پیشین، قلمروی مکانی خود را گسترش دهد.

باید گفت در حال حاضر، شواهد از هم‌سویی اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در راستای ورود ناتو به تحولات منطقه‌ای خاورمیانه حکایت می‌کنند. شواهدی مانند قرارگیری آمریکا در سرایشی نزولی چرخه قدرت جهانی و در سوی مقابل، رشد قدرت رقبای جهانی و منطقه‌ای مانند چین، روسیه، و ایران و نیز خطر پیوند استراتژیک آنها در خاورمیانه، آمریکا را به تجدیدنظر در راهبردهای دفاعی خود برای مدیریت نظم در این منطقه وادار خواهد کرد. متأثر از این شرایط، اندیشه کاستن از تعهدات یک‌جانبه در نظم‌های منطقه‌ای و حرکت به سمت چندجانبه‌گرایی برای ایجاد توازن بازدارندگی در مقابل رقبای احتمالی از سوی آمریکا در کانون توجه قرار خواهد گرفت. این مهم همچنین استراتژی مؤثر برای کاستن از هزینه‌های مالی مدیریت نظم در خاورمیانه برای این کشور است؛ چراکه چندجانبه‌گرایی آمریکا در آینده در راستای تقسیم بار مالی ناشی از حضور این کشور در خاورمیانه نیز هست. مطابق با این شرایط انتظار می‌رود در محیط آینده خاورمیانه، جست‌وجو برای کسب قدرت استراتژیک در راستای موازنه‌سازی در معادله بازدارندگی مهم‌ترین دستورکار منطقه‌ای آمریکا باشد. تغییر محاسبات امنیتی آمریکا در این راستا دو راهبرد مهم را برای مدیریت نظم منطقه‌ای در خاورمیانه از سوی این کشور در آینده برجسته خواهد کرد که عبارت‌اند از:

- اتحادها و ائتلاف‌های درون منطقه‌ای؛

- توسعه پیمان‌های دفاعی فرامنطقه‌ای.

در این راستا، طرح ورود ناتو به خاورمیانه به‌صورت جدی در دستورکار آمریکا قرار خواهد گرفت. آمریکا از این طریق خواهد توانست در بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای در خاورمیانه عرصه را بر قدرت‌های چالشگر منطقه‌ای مانند ایران و چالشگران

جهانی مانند روسیه و چین با سنگین کردن توازن قدرت به ضرر این کشورها تنگ کند. پس، این ایده امریکا اقدامی ضروری برای تحقق راهبرد توازن منطقه‌ای و جهانی بازدارندگی این کشور در مقابل رقبا محسوب می‌شود. همچنین امریکا در آینده، خواستار تمرکز بیشتر بر رقابت و مقابله با چین در منطقه «پاسیفیک» است. مطابق با این هدف استراتژیک، امریکا تلاش خواهد کرد با ورود ناتو و متحدان اروپایی خود و همچنین فعال کردن سازوکارهای درون منطقه‌ای، علاوه بر تجمیع توانایی جمعی خود در منطقه برای مقابله با رقبا، زمینه را برای تمرکز بیشتر بر منطقه پاسیفیک نیز فراهم کند؛ چراکه خروج امریکا و کاهش نقش آن در خاورمیانه معادلات منطقه‌ای را در خاورمیانه به صورت گسترده‌ای تغییر خواهد داد؛ زیرا سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بی‌درنگ سعی خواهند کرد خلأ استراتژیک ناشی از نبود و کاهش سیطره و نفوذ امریکا را پر کنند.

جمع بندی

اتحادیه اروپا به دنبال گسترش نقش خود در خاورمیانه در آینده کوتاه مدت و میان مدت است. اتحادیه اروپا نگران گسترش تنش و تضاد در خاورمیانه است؛ چراکه این موضوع تبعات مستقیمی برای کشورهای اروپایی در پی دارد؛ همان طور که بحران سوریه کشورهای اروپایی را با مشکلات گسترده ناشی از موج‌های گسترده مهاجران و تروریسم روبه‌رو کرد. اهدافی مانند ممانعت از توسعه برنامه هسته‌ای ایران، جلوگیری از شکل‌گیری تعارض گسترده در خاورمیانه، جلوگیری از نفوذ روسیه و چین و در نهایت، نمایش توانایی‌های اتحادیه اروپا در سیاست جهانی از جمله عواملی است که باعث خواهد شد در چند سال آینده، نقش و نفوذ اتحادیه اروپا در منطقه افزایش پیدا کند. اروپایی‌ها برای حصول به این هدف فرایندی چهارمرحله‌ای را مدنظر دارند. گام نخست آنها احیای توافق هسته‌ای و حل و فصل تنش هسته‌ای ایران با غرب است. در گام بعدی، اتحادیه اروپا به دنبال تعمیم و تسری دادن گفت‌وگوهای چندجانبه به سطح کلان منطقه‌ای در خاورمیانه هستند. اروپایی‌ها می‌خواهند از طریق اتحادیه اروپا، به عنوان سازمان، و ناتو، به عنوان سازمانی دفاعی امنیتی، وارد عمل شوند. اروپایی‌ها همچنین در نظر دارند گفت‌وگوی غیررسمی (مسیر ۲) یا نیمه‌رسمی (مسیر ۱/۵) را قبل از آغاز فرایند مذاکرات چندجانبه رسمی منطقه‌ای با هدف ایجاد کانال‌های ارتباطی اولیه به کار گیرند. از نظر اروپایی‌ها، چنین اقداماتی به ایجاد درک مشترک حول چالش‌ها و مسائل امنیتی منطقه و سپس شروع گفت‌وگوهای چندجانبه منطقه‌ای در خاورمیانه کمک می‌کند.